



ترامپ به سواری رایگان شرق‌نشینان آتلانتیک پایان می‌دهد

اروپای بی‌سرپناه

پیروزی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور غیر قابل پیش‌بینی امریکا بنا شعارهایی جنجالی و برهمن‌زننده وضعت موجود، سبب نگرانی مقامات اروپایی شده است، سسنا رویونی که در صورت محقق شدن، می‌تواند مناسبات اروپا و امریکا را به چالش بکشد، اظهارات ترامپ مبنی بر منسوخ بودن ناتو و تلاش برای بهبود رابطه با روسیه نگرانی‌ها را نسبت به آینده روابط و سطح ف‌افزایش داده است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، ورود ترامپ به کاخ سفید مناسبات دو سوی آتلانتیک را دستخوش تغییراتی خواهد کرد. پس از رفتن‌دم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا موسوم به «برگ‌زیت» که یکی از بزرگ شوک‌هاست به اروپا، جنگ جهانی دوم بود، اکنون رهبران اروپا با پیروزی ترامپ با چالشی روبه‌رو شده‌اند که می‌تواند شکاف‌های بیشتری در ساختارهای اروپا و نهادهای امنیتی آن ایجاد کند و با افزایش شکاف‌های سیاسی ممکن است پیوندهای استراتژیک بین اروپا و امریکا پایان یابد. امریکا و اروپا از جنگ جهانی دوم همراه بوده‌اند و در دوران اوپاما این پیوندها تقویت شد، روی کار آمدن ترامپ و مواضع سختی که او در قبال اتحادیه اروپا در پیش گرفته آسمان روابط امریکا و اروپا را غبارآلود کرده است.

اروپا در شوک انتخاب ترامپ

جان کلود یونگر، رئیس کمیسیون اروپا پیروزی ترامپ را خطری برای روابط اتحادیه اروپا و واشنگتن اعلام کرده و مواضع ترامپ را برای ناتو بسیار خطرناک دانسته است. دونالد تاکس، رئیس اتحادیه اروپا نیز با ابراز نگرانی از روی کار آمدن ترامپ هشدار داد که تمدن سیاسی غرب که از

رویکرد

دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

زمانی بود که مصف قمر رهبری را در جهان به دست داشت آن هم موقعی که جمال عبدالناصر با شعار ناسیونالیسم عربی، توجه عمومی را در این جهان به خود جلب کرده بود. ایدئولوژی ناسیونالیستی سکان رهبری جهان عرب را به‌دست او داد اما جنگ ۱۹۷۳ و شکست در این کشورها، نقطه‌شروعی برای افول و جایگاه مصر در جهان عرب‌توانیکه پنج‌سال بعد، باامضای کمپ‌دیوید مصر در جهان عرب به‌طور کلی به حاشیه‌انده شد. هر چند که جانشینان عبدالناصر به همراه ارتجاع عربی سعی داشتند مصر را همچنان در کانون جهان عرب نگه‌دارند اما حتی‌بهار عربی‌وسقوط حسنی مبارک هم باعث بازگشت این کشور به‌مقام سابقش نشد. حال‌به‌نظر می‌رسد ژنرال عبدالفتاح السیسی که در مقام ریاست جمهوری مصر به‌فکر نقشی‌فعال در میان کشورهای عربی است، شاید‌مقام‌رهبری این کشورها را با‌مصر بازیارگر داند.

رقابت با سعودی‌ها

الیسی برای‌شدتن این نقش‌فراصلی ساده‌وراحت در پیش‌نزدار ذریع‌موانع پیش‌روو به‌خصوص رقابت در میان کشورهای عربی، کار آبرایی‌اوسخت می‌کند. این رقابت‌بود که به‌طور مستقیم بر رهبری عبدالناصر سایه انداخته بود و باعث شد با تحلیل‌رفتن نیرو و امکانات مصر، اوننواند ایده‌های خود را پیاده کند. یکی از عرصه‌های این رقابت در یمن بود که عبدالناصر از کودتای افسران‌ملی‌گرا علیه‌امام محمد البدر، پادشاه‌چوان متوکی، حمایت کرد اما آل سعود به‌سرعت وارد عمل شد و با حمایت از پادشاهی یمن، جنگی را بر عبدالناصر به‌تعمیل کرد که منجر به‌کشته شدن ۱۰ هزار نفر از نظامی‌های مصری شد. گفته می‌شود عبدالناصر از آن جنگ به‌عنوان ویتنام مصر یاد می‌کرد اما رقابت و با آل سعود به یمن ختم‌شد. اوسعی داشت با حمایت از سازمان آزادی‌بخش فلسطین خود را هوادار آرمان فلسطینی‌ها و آزادسازی فلسطین از رژیم صهیونیستی نشان بدهد اما سعودی‌ها بیگار ننشستند و با حمایت از جنبش‌فتاح در آن سازمان‌زمینه را برای ترقی پاسر عرقات فراهم کردند تا به رهبری آن سازمان برسند. عبدالناصر در لبنان نیز با‌مانع‌ساخته شده به دست سعودی‌ها روبه‌رو شد. او عبدالحمید غالب را در ۱۹۶۷ به‌پررت رساند تا جریان ناصری و ملی‌گرای لبنانی را در آن کشور تقویت کند اما سعودی‌ها بعد از ترور کامل مروه، مخالف سرسخت عبدالناصر، به دست یکی از ناصری‌ها جنگ مالی را علیه لبنان با‌خارج کرن سرمایه خود را بانک مهم لبنانی اینترنتی‌به راه‌انداختند تا از میزان نفوذ عبدالناصر وسفیرش در این کشور کاسته‌شود. از سوی دیگر، عبدالناصر موفق شد با حمایت از هوادان خود در عراق رژیم پادشاهی آن کشور را سرنگون کند اما سعودی‌ها در مقابل به‌اردن و رژیم پادشاهی این کشور توجه



خطری برای امنیت اروپا است. کشورهای اروپایی واهمه دارند که آینده روابط واشنگتن و مسکو، به این‌کشورها آسیب بزند. اتحادیه اروپا می‌خواهد تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه را تمدید کند اما بتوجه به مواضع ترامپ که از روابط گرم با روسیه خیر می‌دهد به‌نظر می‌رسد تحریم‌ها کمی با مشکل مواجه‌شود و اختلاف بر سر نحوه‌مقابله با روسیه شکاف‌ها در غرب را افزایش خواهد داد.

قدرت‌گیری راستگرایان در اروپا

پیروزی غیرمنتظره ترامپ شاید برای رهبران اروپایی چندان خوشایند نبود اما موجب دلگرمی جریان‌های ملی‌گرای افراطی در قاره سبز شد که پیش از این با موج‌سواری روی ناراضیاتی‌های عمومی در کشورهای عضو اتحادیه قدرت گرفته بودند. افزایش محبوبیت این احزاب در شرایطی‌که برخی از کشورهای اروپایی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌کنند نگرانی‌ها را نسبت به فروپاشی ساختارهای اتحادیه اروپا افزایش داده است.

در انتخابات ریاست جمهوری که اخیراً در کشورهای لهستان، بلغارستان و مجارستان برگزار شد ملی‌گرایان راستگرا و طرفدار روسیه قدرت را به دست گرفتند و این نگرانی وجود دارد که سناریوی اروپای شرقی در غرب اروپا نیز تکرار شود. فرانسه سال آینده انتخابات ریاست جمهوری را برگزار خواهد کرد و ژان ماری لوپن، رهبر راستگرایان فرانسه شانس خود را برای پیروزی در انتخابات مورد محک قرار خواهد داد. ماری لوپن، گفته‌است پیروزی ترامپ نقطه عطفی در پیدایش جهان جدید است که جایگزین جهان قدیم خواهد شد. ترامپ آنچه را که غیرممکن به‌نظر می‌رسید امکان‌پذیر ساخت. اروپا در حالت شوک و بی‌اعتمادی به سر می‌برد و تلاش می‌کند راه خود را بیابد. احزاب راستگرا همچونین امیدوارند در انتخابات هلند و ایرلش نیز موقعیت خود را تقویت کنند. احزاب راستگرا بر این باورند که پیروزی ترامپ می‌تواند به‌عنوان الگویی قرار گیرد و در قدرت‌یابی این احزاب نقش داشته باشد.

نفوذ بروکسل بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مدت‌هاست که در برخی کشورهای عضو مسئله‌ساز شده است. بحران اقتصادی و قوانین دست و پاگیری که اتحادیه اروپا بر اعضای خود تحمیل می‌کند نیز به این ناراضیاتی‌ها دامن زده است. رای مردم انگلیس به برگزیت، پاسخ «نه» به سیاست‌های ریاضتی و تحمیلی اتحادیه اروپا بود و نشان داد که مردم اروپا دیگر نفوذ بروکسل بر کشورهایشان را بر نمی‌تابند. نتیجه شده‌است، جریان‌هایی که امیدوار هستند پس از انگلیس، متعهد به حمایت از اروپا در مقابل روسیه کرده بود اما روی کار آمدن ترامپ می‌تواند به چندین دهه روابط استراتژیک بین اروپا و امریکا پایان دهد. استقبال ترامپ از رفتن‌دم خروج انگلیس از اتحادیه اروپا که به نوسعی تضعیف این اتحادیه را در پی دارد بسیار ناگوارین بود که امریکای دوران ترامپ تعهداتش در حمایت از اروپا را کاهش خواهد داد.

نگرانی از نزدیکی ترامپ به روسیه

تعاملات روسیه و امریکادر دوران اوپاما به دلیل اختلاف بر سر بحران اوکراین و وسوسه بسیار مشتجن بود اما دونالد ترامپ اعلام کرده است‌که برای برقراری مناسبات بهتر با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه تلاش خواهد کرد. ترامپ پیشتر گفته بود که در صورت پیروزی در انتخابات «شبه جزیره کریمه» را به‌عنوان بخشی از خاک روسیه به رسمیت خواهد شناخت. نزدیکی ترامپ به مسکو، برای مقامات اروپایی‌که در نزدیکی مرزهای روسیه زندگی می‌کنند، می‌تواند خطراً فرین باشد. کشورهای اروپایی در دو سال گذشته در همسویی با سیاست‌های اوپاما تحریم‌های اروپایی قرار گرفته است. بتوجه به اظهارات ضداروپایی ترامپ و احتمال کاهش حمایت‌های امریکا از اروپا در مقابل روسیه، اعضای اتحادیه اروپا برای افزایش امنیت خود ناگزیر

قاهره با بغض ریاض به رهبری جهان عرب برمی‌گردد

کردند تا سدی را در برابر پیشروی عبدالناصر در جهان عرب ایجاد کنند. در هر صورت، رقابت سعودی‌هابعث شد تا عبدالناصر آن جمله تاریخی را به زیان بیابورد و بگوید: «جهان عرب تا زمانی‌که نظام آل سعود بر جاست، شاهد روشنایی نخواهد بود.»

از حمایت تا تقابل

ژنرال عبدالفتاح السیسی سه سال قبل مقام وزارت دفاع مصر را داشت اما مخالفت‌های احزاب با ریاست جمهوری محمد مرسی سوم ژوئیه ۲۰۱۳ طی یک کودتای مرسی را برکنار کند و از آن زمان سکان رهبری مصر را به دست بگیرد تا از ژوئن سال بعد به ریاست جمهوری مصر برسد. او از ابتدای کار حمایت سعودی‌ها را داشت و شاهد مدعا می‌توان در کمک‌های میلیاردی دید که گفته می‌شود سعودی‌ها برای سرنگونی مرسی کمک یک میلیارد دلاری به السیسی کرده بودند و این جذاژ میلیاردها دلار کمکی بود که سعودی‌ها به همراه متحدین کوئیتی و امراتنی به السیسی کرده‌اند. السیسی در مقابل این حمایت‌حاضر به‌اعطای دو جزیره استراتژیک مصری صنایع‌فروزان به سعودی‌ها می‌کند با آنها سعی کرد تا جای پای خود را در مصر محکم کند و حالا با اطمینان خاطر از تحکیم موقعیتش در مصر بیشتر سعی می‌کند تا با زوایه گرفتن از سیاست منطقه‌ای آل سعود، نقش‌فعالی را برای مصر در جهان عرب ترسیم کند.

رود بود به پرورنده سوریه

مهم‌ترین عرصه برای یافتن چنین نقشی پرورنده سوریه است چراکه وضعیت این پرورنده و چگونگی پیشبرد آن دست‌کم خطوط اصلی موازنه‌قوا در منطقه را مشخص می‌کند. السیسی پیش از این، هر از گاهی مخالفت خود را با ادامه وضعیت جنگ در سوریه بیان کرده بود اما مصاحبه سه‌شنبه گذشته او با یک



شبکه تلویزیونی بر نعال گویای تحرک جدید او در این پرورنده بود. در این مصاحبه اولویت کشورش برای حمایت از ارتش‌های ملی کشورهای عربی از جمله سوریه را بیان کرد و گفته: «سوریه در پنج سال پیش با بحران عمیقی مواجه شده و موضع ما در مصر، حمایت از آن‌گاه ملت سوری‌است. سوی عضویت سیاسی برای بحران این کشور بهترین راهکار است. بایستی با جدیت با گروه‌های تروریستی برخورد‌شود و آنها را خلع سلاح کرد. علاوه بر آن، حفظ تمامیت ارضی سوریه بسیار مهم است و باید غلبه‌های جنگ در سوریه به‌نفع سوری‌ها شوند.» خبرنگار بی‌رقعی در آن مصاحبه از سخنان السیسی متعجب شده و باز پرسیده بود که منظورش حمایت از همین ارتش سوری‌هاست و السیسی با اطمینان خاطر پاسخ مثبت داده بود تا نشان بدهد که شک و تردیدی برای حمایت از ارتش سوری‌ها در کشورهای افراطی تروریستی ندارد. گزارش روزنامه لبنانی السفير حاکی از آن‌است که این‌موضع السیسی تنها محدود به یک اظهار نظر نبوده بلکه او در عمل در دست به‌کار شده و نه تنها می‌خواهد سلاح‌شکری، وزیر خارجیه مصر، یا یکی از مقامات ارشد دولتش را به دمشق اعزام کند بلکه چند هفته‌ای است که چهار افسر ارشد از ستاد مشترک مصر و ۱۸ خلبان خود را به سوریه فرستاده است. مدتی است که این افسران مصری مشغول بررسی و ارزیابی جبهه‌های نبرد از جمله جبهه‌های منطقه قنطره و خطوط دفاعی در بلندی‌های جولان و در عابدهاند و خلبان‌های مصری هم مشغول همکاری با خلبانان سوری شده‌اند هر چند که هنوز مشخص نیست در عملیاتی شرکت داشته‌اند یا خیر. در هر صورت، السفير در گزارش خود به نقل از منابع عربی، خبر از اعزام نیروهای مصری مشهور به صاعقه به سوریه برای کمک گسترده به ارتش سوریه داده تا نیروهای مصری بعد از ۲۳ دسامبر آینده به صورتی‌فعال وارد جنگ سوریه شوند. این تحرک السیسی یادآور نقشی‌است که عبدالناصر سال‌ها قبل در سوریه داشت که با هواداران خود در مصر به حافظ اسد در کودتای نافرجام آوریل ۱۹۶۲ و کودتای موفق سال بعد کمک کرد. عبدالناصر در آن زمان و با حمایت از پیر پشار اسد، سوریه را در جبهه خود حفظ کرد تا ارتش سوریه نیروی متحد او در جنگ با رژیم صهیونیستی باشد. به‌نظر می‌رسد السیسی با زوایه گرفتن از مداخله‌جویی سعودی‌ها در سوریه سعی دارد تا همان نقش عبدالناصر را در سوریه بازی کند که این بار در شکل حمایت از پشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، در جنگ با گروه‌های تروریستی است. عبدالناصر آن زمان با همکاری حافظ اسد بود که توانست رهبری جهان عرب را حفظ کند و حالا باید دید که السیسی چگونه می‌تواند با همکاری فرزند حافظ اسد بار دیگر مصر را با جایگاه رهبری جهان عرب بازیارند.

سنار یوهای سازش خاورمیانه‌ای ترامپ

رویکرد

صبری‌نوشه

در بعد تاریخی، شکی نیست که ایالات متحده امریکا از پیشگامان پایه‌گذار کبان صهیونیستی در منطقه خاورمیانه است و هنوز در راستای حمایت و پاسداری از این ساختار «تحمیلی» و «مصنوعی» در این منطقه حساس و پر اهمیت، کوشش می‌کند. طی شش‌دهه گذشته، موضوعات حساس خاورمیانه به و ویژه کشاکش جهان اسلام با رژیم صهیونیستی بر سر قضیه فلسطین، جایگاه منازاری در سیاست راهبردی کاخ سفید داشته است. امنیت اسرائیل و مسائل فلسطین، همواره محور ی شاخص در کارزار تبلیغاتی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری امریکا بوده و در رقابت انتخاباتی اخیر میان کلینتون و ترامپ، نیز همین امر، مشهود و ملموس بوده است. به نظر می‌رسد قبل از پردازش به اصل موضوع، آگاه شدن از حقایق درباره پیشینه سیاست واشنگتن در قبال قضیه فلسطین، سودمند خواهد بود:

۱- تدوین سیاست خارجی امریکا همواره در قالب راهبردی‌زامبندبی شده، صورت می‌پذیرد و رئیس‌جمهور جدید این کشور نقش زیادی در تبدیل و تغییر آن ندارد.

۲- نقش لابی‌ها، محافل صهیونیستی در امریکادر انتخاب رئیس‌جمهوری و روند تدوین سیاست خاورمیانه‌ای این کشور، قابل توجه‌است.

۳- تجربه‌های گذشته نشان داده که شعارها و اظهارات نامزدان ریاست‌جمهوری امریکا در کارزارهای انتخاباتی به ویژه در بعد سیاست خارجی، لازم‌الاجرا نبوده و گاهی حتی قابل تغییر بوده‌است.

۴- در کنگن‌ها به عمل آمده پیرامون سیاست کاخ سفید در قبال فلسطین، این حقایق قابل انکار نیست:

توجه امریکابه امنیت اسرائیل و حفظ منافع آن، همواره سنگ‌زیرین سیاست خاورمیانه‌ای این کشور بوده‌است. امریکا از زمان تأسیس سازمان ملل تا کنون ۸۰ بار از حق وتو علیه قطعنامه‌های شورای امنیت این سازمان استفاده کرده که ۴۲ وتو علیه قطعنامه‌هایی که رژیم صهیونیستی را در موضوعات مختلف محکوم کرده و ۳۱ وتو علیه قطعنامه‌هایی به سود قضیه فلسطین بوده‌است. آخرین آنها در تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۱۴ که خصوص پایان دادن به اشغالگری رژیم صهیونیستی در کرانه باختری رودارنن و ایجاد دولت مستقل فلسطینی در آنجا جام‌شده‌است. نقش‌مندبه‌به‌ویژه عقیدو اندیشه‌های فرقه «سحیحیت صهیونیستی» در تدوین سیاست خاورمیانه‌ای امریکا بسیار مشهود بوده، زیرا سنگ‌بنای این مذهب بر این باور پایه‌ریزی شده که تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین را زمینه‌ساز ظهور مسیح، می‌داند. دولت‌های امریکادر تو هر گونه چالش منطقه‌ای و بین‌المللی، پاسداری از امنیت این رژیم را یک تعهد اخلاقی و یک مسئولیت‌سیاسی راهبردی می‌دانند تا این لحظه، هیچ‌رئیس‌جمهور امریکا زیر بار مسئولیت سال ۱۹۴۵ «سنا» مبنی بر انتقال سفارت تل کشور از تل‌آویو به شهر قدس شریف نرفته‌است. سیاست واشنگتن در قبال مسئله فلسطین از زمانداری‌های ترومن (۲۳ آوریل ۱۹۴۵ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۵۳) تا دوران حکومت باراک اوباما (۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ تا ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷) هیچ‌گاه بی‌تطرفانه نبوده، اما همواره پشتیبان سیاست‌های ظالمانه و توسعه‌طلبانه صهیونیسم بوده‌است. سکوت کاخ سفید چه دم و کرات و چه جمهوری خواه، هر گونه تعاملی با فلسطینی‌ها را امرشروط به پذیرش اسرائیل به‌عنوان کشوری «یهودی» با پایتختی «بیت‌المقدس» می‌داند. آنها بر پیوندهای ارزشی و منافع مشترک امریکا-اسرائیل تأکید دارند و مطرح‌شدن دولت‌ها در سرزمین اشغالی فلسطین همواره به صورت ضمنی و غیر شفاف مطرح می‌کنند. در باور سیاسی سکوت کاخ سفید، پیوندهای راهبردی واشنگتن - تل‌آویو، موجب امنیت اسرائیل و برتری نظامی و فناوری آن، اساس سیاست خاورمیانه‌ای می‌باشد. امریکا از زمان تأسیس کبان صهیونیستی در فلسطین اشغالی سعی کرده که مدیریت فضایی

خاورمیانه به ویژه روند سازش در خاورمیانه در انحصار خود در آورد، اما هیچ‌گاه به تعهدات خود نسبت به توافقات و صلح خاورمیانه، عمل نکرده است. «جلسان مادرید ۱۹۹۱»، «پلسو مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳»، «شتت کمپ دیوید مورخ ژوئیه ۲۰۰۰» و «سند نقشه راه مورخ آوریل ۲۰۰۲» وفادار نبوده و در عوض اعراب را جهت برقراری روابط با رژیم صهیونیستی تشویق و آنها برای دادن امتیازات (بیتکار عمل‌های خانه‌ها فهد و عبدالله سعودی) به آن رژیم زیر فشار قرار داد. قراردادهای سازشکار کمپ دیوید (مادرید ۱۹۷۸) و «وادی عرب (ملک حسین - پرز در ۱۹۶۴) نیز با مدیریت واشنگتن بوده‌است. اوپامادر در اواخر زمانداری خود در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۶ رژیم صهیونیستی توافقنامه حمایت نظامی و تسلیحاتی بست. به موجب این توافقنامه، امریکاطی ۱۰ سال آینده (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۸) کمک‌نظامی-تسلیحاتی به ارزش ۲۸ میلیارد دلار به این رژیم خواهد داد.

سناریوهای سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ

هم‌زمان با پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری، اسرائیل قانون منع بخش‌آذان (به‌وسیله بلندگو) را تصویب کرد و جهان دموکراسی و آزادی به این اقدام ضدانسانی و ضدفرهنگی و تمدن اعتراف نکرده. حال باید دید که سیاست ترامپ در قبال فلسطین و مقدسات آن، فرادای ورودش به کاخ سفید چگونه خواهد بود. قبل از ورود به این مبحث، دانستن دیدگاه‌های ترامپ در قبال قضیه فلسطین مفید‌است. داماد ترامپ (شوهر دخترش) یهودی است اما به دلیل اندیشه و افکار ژاد پرستانه‌اش بر ضد مهاجرین و مسلمانان و اقوام عربی، او به ضدانسانی و یهودیت متهم است. او سرمایه‌دار و تاجر پیشه است و اطلاعاتش در باره سیاست خارجی و مفاهیم سیاسی و حزبی به ویژه خاورمیانه و مسائل آن اندک است اما داده‌ها و گاهی او در باره تجارت و نفت و انرژی خاورمیانه امنیت اسرائیل مناسب‌است. ترامپ در شعارهای انتخاباتی خود پیرامون خاورمیانه و قضیه فلسطین این مطالب را مطرح کرده‌است:

۱- نگفته‌است که شهر کساری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، مانعی در راه صلح خاورمیانه است.
۲- تأکید کرده که منازعه میان اسرائیل و فلسطین طولانی بوده ولی او سعی خواهد کرد در راه برقراری صلح در منطقه کمک کند.
۳- اشاره به عدم دخالت در منازع خارجی کرده که هزینه کثالی برای امریکادر پی دارد و ضمن‌ا امکان کاهش حمایت مالی و نظامی از متحدان از جمله اسرائیل، اشاراتی داشته‌است.
۴- اشاراتی به مخالفت با اجاری «برجام» (مطلوب رژیم صهیونیستی) کرده‌است.
۵- در ملاقات با نتانیاهو در مورخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۶ برای انتقال سفارت امریکا به قدس شریف قول داده‌است.

۵- اغلب آگاهان به مسائل خاورمیانه و قضیه فلسطین بر این باورند که پیروزی ترامپ به سود رژیم صهیونیستی بوده و حتی خود‌های فرقه حیدسیم (یهودیان ضدصهیونیسم) فتواداندند که بیرون‌خود به کلنتون رای بدهند زیرا ورود ترامپ به کاخ سفید به سود اسرائیل خواهد بود. اما سناریوهای مطرح پیرامون سیاست ترامپ در قبال قضیه فلسطین چنین است:

۱- سناریوی بی‌طرفی ترامپ:

ترامپ در کارزار انتخاباتی خود بر سیاست بیطرفی و دور ماندن از منازعه‌خاورمیانه تأکید کرد، زیرا مشکلات این منطقه همواره برای امریکا هزینه‌ساز بوده‌است. به‌نظر برخی از تحلیلگران عادی‌سازی روابط ترامپ - پوتین در به حقیقت پیوستن این سناریو نیز کمک خواهد کرد. در این راه‌گذر اعراب خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی به دلیل بحران مالی و اقتصادی نمی‌توانند بخشی از هزینه‌های دخالت ترامپ در خاورمیانه را بدهند، لذا احتمال عملیاتی شدن چنین سناریویی ممکن است.

۲- سناریوی تل‌دم وضعیتی موجود و استمرار بن بست روند صلح خاورمیانه:

در پروتی این سناریو، حمایت‌های امریکا از سیاست یهودی‌سازی و شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی ادامه خواهد یافت و اجرای توافقنامه اوپاما مبنی بر حمایت نظامی به مبلغ ۳۸ میلیارد دلار بدون مانع خواهد بود.

۳- سناریوی مورد نظر صهیونیست‌ها:

در پروتی این سناریو، انتظارات دولت صهیونیستی نتانیاهو برآورده می‌شود، از جمله:

الف- انتقال سفارتخانه امریکا از تل‌آویو به قدس شریف

ب- رها کردن حمایت از آزادی‌بخش فلسطین استقلال» در فلسطین اشغالی توسط ترامپ

ج- مخالفت ترامپ با تعهدات امریکانسیبت به اجرای توافقات برجام

از دید اغلب آگاهان به مسائل خاورمیانه، سناریوی استمرار و تغییر سیاست امریکادر قبال قضیه فلسطین در دوران زمانداری ترامپ، محتمل تر می‌باشد.

اما در نهایت به‌نظر می‌رسد، هیچ‌فلسطینی حتی ساده‌اندیش و سطحی‌نگر، بی‌طرفی امریکا را قبول ندارد و برای حل قضیه سرزمین خویش بدان تکیه نخواهد کرد زیرا هر فلسطینی واشنگتن، را شریک صهیونیست‌ها در ایجاد رنج و محنتش می‌داند و به‌خوبی آگاه‌است که کلید حل قضیه مقدس خویش، در مبارزه و مقاومت و پایداری در راه آزادی و جب و جب فلسطین عزیز است دریا تا کرانه آن است.

^[1] در بعد تاریخی، شکی نیست که ایالات متحده امریکا از پیشگامان پایه‌گذار کبان صهیونیستی در منطقه خاورمیانه است و هنوز در راستای حمایت و پاسداری از این ساختار «تحمیلی» و «مصنوعی» در این منطقه حساس و پر اهمیت، کوشش می‌کند

^[2] طی شش‌دهه گذشته، موضوعات حساس خاورمیانه به و ویژه کشاکش جهان اسلام با رژیم صهیونیستی بر سر قضیه فلسطین، جایگاه منازاری در سیاست راهبردی کاخ سفید داشته است

^[3] امنیت اسرائیل و مسائل فلسطین، همواره محور ی شاخص در کارزار تبلیغاتی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری امریکا بوده و در رقابت انتخاباتی اخیر میان کلینتون و ترامپ، نیز همین امر، مشهود و ملموس بوده است